

مصاحبه نماینده خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران

با آقای دکتر یزدی (۷۴/۰۹/۲۵)

س ۱- شما به عنوان کسی که خارج از سیستم هستید، در رابطه با جناح‌بندی‌های داخل سیستم چه نظری دارید و چه تعریفی از جناح‌بندی دارید؟ آیا این جناح‌بندی‌هایی که می‌گویند راست و چپ قبول دارید یا خیر؟ و اگر قبول ندارید، خودتان چه تقسیم‌بندی می‌کنید؟

ج- نهضت آزادی ایران مبنا و پایه در جناح‌بندی‌ها را آرمان‌های انقلاب به شرحی که در فصل سوم قانون اساسی آمده است می‌داند و نه چیز دیگری، به عبارت دیگر، شما اگر بخواهید جناح‌بندی کنید باید ببینید که آیا گروه‌های سیاسی مختلف به آرمان آزادی و آرمان حاکمیت ملی هستند یا خیر. وقتی ما می‌گوییم وفاداری یا اعتقاد به انقلاب یا آرمان‌های انقلاب، دقیقاً برمی‌گردد به چند چیز مشخص. از حدود صد سال پیش که این بخش یا این دوره از مبارزات ملی در کشور ما شکل گرفت، همیشه سه وجه یا سه محور اساسی مطرح بوده است. یک وجه یا یک محور آن از جهت سلبی مبارزه با استبداد و از جهت ایجابی تأمین حقوق و آزادی‌های مردم و تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود بوده است. یک وجه دیگر آرمان‌های محوری مبارزات مردمی در طی صد سال گذشته مبارزه علیه سلطه بیگانه یا به تعبیر دیگری، تأمین استقلال کشور است. وجه سوم مبارزه علیه ظلم و ستم و اختلافات عظیم طبقاتی و فقر و محرومیت یا به تعبیر دیگری عدالت‌خواهی است. دو وجه اول یا دو محور اول در طول این یک صد سال از اولویت اول برخوردار بوده است، به این دلیل که تا ملت حقوق خود را به دست نیاورد و صاحب خانه خود و مسلط بر سرنوشت خویش نشود و استبداد داخلی و سلطه بیگانه را از بین نبرد، نمی‌تواند نسبت به مسائل دیگر از جمله عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت تصمیم بگیرد. خوب، در انقلاب اسلامی ایران در واقع این دو آرمان اصلی اولیه کلیدی وجود داشته است و هنوز هم هست. بنابراین، در نهضت آزادی ایران طبقه‌بندی یا گروه‌بندی‌ها بر این اساس قرار دارد که آیا فلان گروه سیاسی به آرمان‌های اصلی انقلاب یعنی حاکمیت مردم و تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی اعتقاد دارد یا خیر؟ در مورد اعتقاد به استقلال، ما مشکل حادی نمی‌بینیم. نیروها و گروه‌های سیاسی شناخته شده، چه در داخل نظام و چه خارج از نظام، عموماً و اکثراً به آرمان استقلال معتقد هستند. اختلاف و مشکل در این محور نیست، اگر چه به عنوان یک حزب سیاسی، نهضت آزادی ایران معتقد است که اگر حقوق و آزادی‌های اساسی مردم تأمین نشود و حاکمیت در نهایت با ملت نباشد، آرمان دوم یعنی استقلال به زودی مخدوش خواهد شد. حکومت‌هایی که پایگاه مردمی نداشته و منبعث از خود مردم نباشند، دیر یا زود، یکی از این دو سرنوشت را پیدا خواهند کرد: یا سقوط می‌کنند و از بین می‌روند، و یا به اجانب تسلیم می‌شوند. به عبارت دیگر، در کشورهای جهان سوم، حکومت ملی و مستقل و در عین حال استبدادی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد. دیکتاتوری صالحان یا دیکتاتوری ملی نمی‌تواند ادامه پیدا کند. زیرا حتی حکومتی که صالح ولی فاقد پایگاه مردمی باشد، به زودی در قبال فشارهای داخلی و خارجی سقوط می‌کند یا برای حفظ خودش لاجرم

تسلیم فشارهای بیگانه می‌شود. بنابراین، برمی‌گردیم به اول بحث. ما مبنای جناح‌بندی‌ها را بر این می‌گذاریم که آیا این جناح یا آن جناح علی‌الاصول، عمیقاً و صادقانه به آرمان حقوق و آزادی‌های مردمی و حاکمیت ملت معتقد است یا خیر. یک معیار دیگر هم ما اضافه می‌کنیم و آن عدالت‌خواهی است. همان طوری که مختصراً اشاره کردم، در مبارزات یکصد ساله گذشته ملت ما آرمان عدالت‌خواهی یا مبارزه علیه استثمار که خواهان برقراری عدالت و توزیع عادلانه ثروت است، همیشه وجود داشته است. این آرمان تا هنگامی که استقلال کشور و آزادی ملت به دست نیامده بود، به طور جدی مطرح نمی‌شد. اما بعد از پیروزی انقلاب تحقق این آرمان به طور جدی در دستور کار مبارزان سیاسی قرار گرفت. انقلاب به ناچار نمی‌توانسته است و نمی‌تواند نسبت به این آرمان بی‌تفاوت باشد. بنابراین، در جناح‌بندی‌ها به عنوان یک معیار می‌بایست به این آرمان یا خواست مردمی و ملی توجه داشته باشیم. ضمناً باید توجه داشت که گروه‌هایی هم هستند که به عدالت اجتماعی اعتقاد ندارند اگر چه ممکن است شعارش را بدهند. به هر حال، اینها معیارهای مهم و اساسی است که در برخورد با جناح‌بندی‌ها باید در نظر گرفته شود.

س ۲- با توجه به تعریفی که داده‌اید و با این معیار، جناح‌بندی‌های موجود را چگونه می‌بینید؟

ج- شاید لازم باشد که از نظر عملی، و از دیدگاه دیگری در رابطه با قدرت و حاکمیت گروه‌های سیاسی را تقسیم کرد به آنهایی که درون قدرت و حاکمیت قرار گرفته‌اند و آنهایی که در خارج از قدرت و حاکمیت هستند. در واقع، ما جناح‌بندی‌های را در این چهارچوب قرار می‌دهیم که برخی در خارج از حاکمیت و برخی در درون آن قرار دارند. جناح‌بندی دیگری هم بر اساس واقعیت‌های سیاسی وجود دارد و آن عبارت از این است که چهار معیار یا چهار عامل مورد نظر قرار گیرد: ۱- اعتقاد به آرمان‌های انقلاب به شرحی که در بالا گفته شد ۲- وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ۳- التزام به قانون اساسی ۴- موضع در برابر حاکمیت. این چهار مقوله را باید از یکدیگر تفکیک کرد. بر این اساس، گروه‌هایی وجود دارند که حاکمیت را مترادف با نظام می‌گیرند، چون خودشان هم جزء حاکمیت هستند، و هر گونه انتقاد و ایراد از حاکمیت و تلاش برای تغییر حاکمیت را به منزله تضعیف و تحقیر نظام می‌بینند، در حالی که احزاب و نیروهای مخالف و خارج از حاکمیت، مثل نهضت آزادی ایران، این نگرش را قبول ندارند و آن را خلاف قانون اساسی می‌دانند. زیرا قانون اساسی با صراحت تغییر حاکمیت را هر چهار سال یک بار از طریق انتخابات ادواری به رسمیت شناخته است. مردم هر چهار سال یک بار این حق را دارند که کل حاکمیت یا بخش‌هایی از آن را به طور کامل یا به طور نسبی تغییر دهند. رئیس‌جمهور مترادف با نظام نیست. بنابراین مردم حق دارند در هر چهار سال یک بار این رئیس‌جمهور را کنار بگذارند و یک رئیس‌جمهور دیگر را بیاورند. هر چهار سال یک بار حق دارند کل مجلس را عوض کنند و به تبع آن نهادهای منشعب از آن و یا متاثر از آن و یا تابع آن را هم تغییر دهند. اما گروه‌ها و جناح‌هایی هستند که چون داخل حاکمیت قرار داشته و قدرت را در دست دارند، و طبیعی است که نمی‌خواهند قدرتشان را از دست بدهند هر نوع ایراد و انتقاد از حاکمیت و هر نوع تلاش برای تغییر حاکمیت را مترادف با تغییر نظام می‌دانند و این اندیشه بسیار خطرناکی است. از طرف دیگر، احزاب و گروه‌هایی هم هستند که به نظام وفادارند اما به عملکردها و سیاست‌های حاکمیت سخت معترض می‌باشند و تغییر دست‌اندرکاران را تغییر نظام نمی‌دانند.

س ۳- در مورد ضرورت تشکیل احزاب سیاسی، و اینکه جناح‌بندی‌هایی که در داخل سیستم می‌بینیم تبدیل

به احزاب سیاسی بشوند، حالا شما فکر می‌کنید که شرایط تا چه اندازه برای تشکیل این احزاب فراهم شده؟ و فکر می‌کنید که این ضرورت تا چه اندازه احساس می‌شود، در جامعه و یا در خود نظام؟

ج - انقلاب اسلامی ایران که ادامه مبارزات ملت ایران از ابتدای قرن اخیر می‌باشد، علی‌الاصول نظام پارلمانی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و استقرار حاکمیت ملی در برابر نظام‌های خودکامه و استبدادی و دیکتاتوری را پذیرفته است. نظام پارلمانی و انتخابات مردمی شرایط و نیازهای ویژه خود را دارد. جوامع باز سیاسی در شرایط کنونی جهان ویژگی‌های خود را دارند. یکی از آنها این است که نظام پارلمانی بدون وجود احزاب سیاسی ناقص می‌باشد. از طرف دیگر، در جامعه ایرانی، دیدگاه‌ها در زمینه مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی دینی به طور طبیعی متنوع و متفاوت است و بر اساس این دیدگاه‌ها، جریان‌های سیاسی - فکری شکل گرفته‌اند. هر یک از این جریان‌های اجتماعی و اقتصادی و تاریخی خود را دارد. در یک جامعه باز سیاسی، اگر فرصت داده شود، این جریان‌ها خواه یا ناخواه در قالب احزاب سیاسی سامان می‌یابند و بروز و ظهور سیاسی خارجی پیدا می‌کنند و چنین تحولی، اگر امکان آن داده شود، برای سلامت جامعه مفید و ضروری است، به طوری که آرام آرام هر یک از این گرایش‌ها و جریان‌های دیدگاه‌های خودشان را تنظیم و تدوین می‌کنند. این دیدگاه‌ها از چارچوب برداشت‌های فردی بیرون می‌روند و نظام جدید جمعی و حزبی پیدا می‌کند که قابل بحث و بررسی و دوام خواهد بود. اما نکته دوم این است که احزاب سیاسی در ایران هرگز فرصت رشد و توسعه پیدا نکرده‌اند. گرایش‌ها یا جریان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی متنوع و متفاوت در جامعه ما وجود دارند، اما حکومت‌های استبدادی و خودکامه و فشارهای سیاسی هرگز اجازه نداده است که احزاب سیاسی شکل بگیرند و رشد کنند. چه در نظام گذشته در دوران استبداد سلطنتی و چه متأسفانه پس از انقلاب، جریان‌های انحصارطلب در حاکمیت همین را مستمسک قرار داده و آن را چماق کرده‌اند و بر سر مردم می‌زنند که احزاب سابقه خوبی ندارند. این غرض‌ورزی است و بر خلاف واقعیت می‌باشد. البته در گذشته بسیار دور، پس از فروپاشی استبداد رضاشاه و ورود ارتش متفقین به ایران، احزابی در ایران به وجود آمدند که به کشورهای خارجی وابستگی داشتند. اما در برابر آن احزابی هم به وجود آمدند که متعهد به کشورشان و علاقه‌مند به مردم و میهنشان، علاقه‌مند و معتقد به فرهنگ کشورشان بوده‌اند و خدمات برجسته‌ای به کشورمان انجام داده‌اند. بنابراین ما نمی‌توانیم بگوییم که احزاب سابقه خوبی نداشته‌اند و همه احزاب را با یک چشم ببینیم. به عنوان مثال، نهضت آزادی ایران در اردیبهشت سال چهل تأسیس شد و در حدود یک سال بعد از تأسیس، مورد تهاجم استبداد شاه قرار گرفت. سران و رهبران و فعالان آن بازداشت شدند و حزب عملاً تعطیل شد. از آن تاریخ به بعد، نه تنها نهضت آزادی بلکه هیچ یک از گروه‌ها و احزاب سیاسی دیگر نتوانستند نفس بکشند. این را نباید به حساب این گذاشت که احزاب در ایران سابقه خوبی ندارند و مردم از آن استقبال نمی‌کنند. خیر، حمایت بی‌دریغ مردم به هنگام محاکمه سران نهضت آزادی در سال ۴۲ و واکنش جامعه ما نسبت به آن محاکمه خود حاکی از آن است که مردم ما از یک حزب سیاسی ملی و دینی که برای تحقق آرمان‌های مردم ایستاده باشد و با استبداد سازش نکند، حمایت کرده‌اند. تاریخ گواهی می‌دهد که چه حمایت گسترده مردمی به هنگام محاکمه سران نهضت آزادی انجام گرفت. در شرایط کنونی، ما معتقدیم که اگر آزادی‌هایی که در فصل سوم قانون اساسی با صراحت آمده است تضمین و تأمین شود، آرام آرام یک آرایش جدید از نیروهای سیاسی ایران ظاهر خواهد شد. مردم، دولت، مجلس، همه از این باندبازی‌های سیاسی کثیف خسته شده‌اند. عناصری از روی فرصت‌طلبی یا از روی سطحی‌نگری، در هنگام انتخابات یک نوع شعار می‌دهند، اما وقتی به مجلس می‌روند نوع دیگری عمل می‌کنند. مجموعه سیستم تصمیم‌گیری در تمام سطوح آن، چه در مجلس و چه در غیرمجلس به نوعی فلج

است. بسیاری از آنها که به مجلس و یا به دولت می‌روند فاقد کیفیت‌های لازم برای ارزیابی منطقی و علمی از مسائل اساسی کشورمان هستند و چون وابستگی حزبی ندارند، هیچ گروه یا حزب سیاسی وجود ندارد که به آنها کمک کند تا بتوانند درباره مسائل اساسی مملکت اظهارنظرهایی کنند یا تصمیماتی اتخاذ نمایند که منطقی و حساب شده باشد. در یک مجلس حزبی، افرادی که از طرف یک حزب سیاسی کاندیدا می‌شوند، خود آن حزب در مرحله اول مطالعه می‌کند و کسانی را نامزد می‌نماید که واجد شرایط خاص و ضروری باشند. دوم اینکه حزب در برابر کاندیداهایی که معرفی می‌کند متعهد است. اگر کاندیداهای یک حزب انتخاب شوند و به مجلس بروند، از امکانات حزب برای بررسی و مطالعه علمی و دقیق و کارشناسانه لوایح و طرح‌ها و یا در موارد ضروری دیگر بهره‌مند می‌شوند. سوم اینکه مبارزه انتخاباتی و یا مشارکت در انتخابات بر اساس تحزب به این معنا است که هر حزبی برنامه‌ای برای فعالیت‌های انتخاباتی کاندیداهای خود تدوین و اعلام می‌کند. این خود مستلزم پیامدهای خوبی در جامعه است. به این معنا که آرام آرام مردم ما به جای اینکه به آدم‌ها رأی بدهند، به برنامه‌ها رأی می‌دهند. این نکات همه برای حفظ سلامت جامعه و نظام ضرورت بنیادی دارد.

س ۴- این نکته قابل توجه است که به دنبال آن نظراتی که کمیسیون ماده ۱۰ احزاب داد، الان یک نقطه نظری ایجاد شده که کسانی هم که پروانه ندارند می‌توانند فعالیت سیاسی بکنند. با توجه به این شرایطی که ایجاد شده آیا نهضت آزادی برنامه خاصی برای فعالیت علنی دارد؟

ج - مطلبی که جنابعالی فرمودید دو بخش دارد. یکی موضوعی است که می‌فرمایید کمیسیون ماده ۱۰ اتخاذ کرده است. خوب، در یکی از بیانیه‌های نهضت آزادی از این موضع استقبال شده است. این همان موضع قانون اساسی و قانون احزاب است. اگر به مشروح مذاکرات مجلس دوره اول به هنگام بحث پیرامون قانون احزاب و لایحه احزاب مراجعه شود، موضوع کاملاً روشن می‌گردد. در یکی از لوایحی که دولت به مجلس داده بود، شرط فعالیت احزاب را کسب مجوز از وزارت کشور ذکر کرده بود. اما در همان مذاکرات مجلس عنوان شد که این شرط خلاف قانون اساسی می‌باشد و به همین دلیل هم حذف شد. نماینده وزارت کشور هم در مجلس این شرط را پس گرفت. در مشروح مذاکرات همان جلسه آمده است که احزاب دو نوع خواهند بود: احزابی که می‌آیند و پروانه می‌گیرند و احزابی که نمی‌آیند پروانه بگیرند. فرق میان این دو نوع حزب در این است که آن حزبی که پروانه نگرفته ممکن است نتواند از برخی امکانات عمومی مثل رادیو و تلویزیون استفاده کند. یک چنین بحث‌هایی شده است. مدت‌ها کمیسیون ماده ۱۰ بر خلاف قانون اساسی و قانون احزاب اصرار داشت و پافشاری می‌کرد که تنها احزاب و گروه‌هایی حق فعالیت دارند که بیابند از کمیسیون، به تعبیر خودشان مجوز بگیرند. حالا به اینجا رسیده‌اند که حرفی را که می‌زده‌اند نادرست بوده است و موضع خودشان را اصلاح و آن را اعلام کرده‌اند. آقای مهاجرانی، معاون ریاست جمهوری هم در سخنان اخیرشان مجدداً بر این مطلب تکیه کردند. خوب است، و ما از این استقبال می‌کنیم. اما درباره قسمت دوم سوال شما که به نهضت آزادی مربوط می‌شود، نهضت آزادی ایران، همان طور که در طی اعلامیه‌های متعدد اعلام کرده است، معتقد است که فعالیت احزاب به هیچوجه مشروط و منوط به کسب مجوز یا پروانه نیست. هیچ مقامی در کشور این حق را ندارد که بگوید یک حزب سیاسی، مثلاً نهضت آزادی ایران یا هر سازمان دیگری، حق فعالیت سیاسی را ندارد. این موضوع تنها با حکم یک دادگاه، بر طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد که رسیدگی به این مسائل باید در دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه باشد، قابل رسیدگی است. قانون احزاب پیش‌بینی کرده است که اگر فعالیت‌های یک

حزب سیاسی، اعم از اینکه پروانه داشته باشد و یا نداشته باشد، مغایر با مفاد ماده ۱۶ قانون احزاب بود، کمیسیون ماده ۱۰ که بر عملکرد احزاب سیاسی نظارت دارد، می‌تواند پرونده حزب خاطی را به دادگاه صالحه ارسال کند و این دادگاه است که می‌تواند بعد از رسیدگی در حضور هیأت منصفه، با شرایط ویژه‌ای که در قانون پیش‌بینی شده است، از فعالیت یک حزب جلوگیری کند. در مورد نهضت آزادی ایران این اقدامات صورت نگرفته است. بنابراین، نهضت آزادی ایران خود را یک حزب قانونی می‌داند. سومین نکته در سوال شما به فعالیت علنی نهضت آزادی مربوط است. نهضت آزادی ایران بارها و بارها اعلام کرده است که یک حزب سیاسی علنی و قانونی است و به مبارزه علنی سیاسی قانونی معتقد است و نه چیز دیگری.

س-۵- با توجه به شرایط به وجود آمده و مسئله مطرح شده توسط کمیسیون ماده ۱۰ و با توجه به اینکه جامعه ما، بنابر گفته‌ها و اظهاراتی که از سوی مقامات می‌شود، از طیف‌های مختلف تشکیل می‌شود که به سوی جامعه حزبی پیش می‌رود. حالا نهضت آزادی، با توجه به این شرایط، نظرش در مورد انتخابات چیست؟ آیا انتخابات ما می‌تواند آن منشایی باشد برای این حزب، و آیا نهضت آزادی در این انتخابات به عنوان یک حزب و یک گروه و تشکل سیاسی شرکت می‌کند؟

ج - ما علی‌الاصول از اینکه مقامات مسئول در حاکمیت به ضرورت حضور و فعالیت احزاب سیاسی پی برده‌اند و در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خودشان به خصوص در هفته‌های اخیر تکیه می‌کنند استقبال می‌کنیم. اما معتقدیم که با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود. به عمل کار برآید به سخن‌دانی (یا به سخن‌رانی) نیست. به زبان دیگر، دو صد گفته چون نیم کردار نیست. به عبارت دیگر، طرز برخورد حاکمیت با فعالیت احزاب مثل آن پهلوانی قزوینی است که می‌خواست مثل پهلوانان روی بدنش تصویر شیری را خال‌کوبی کند. اما وقتی خالکوب‌کارش را شروع کرد، مدعی پهلوانی دردش آمد و گفت چه کار می‌کنی، گفت دم شیر را می‌کشم، گفت آن را رها کن و به همین ترتیب شکم و یال شیر رها شد و در پایان قصه مولانا گفت: «شیر بی‌یال و دم و اشکم که دید». اگر به ضرورت فعالیت احزاب سیاسی اعتقاد داشته باشیم باید بپذیریم که تمام احزاب سیاسی اعم از آنها که درون حاکمیت هستند یا بیرون از آن می‌بایست حق فعالیت داشته باشند. حاکمیت باید بپذیرد که احزاب مخالف و خارج از حاکمیت عملکردها و سیاست‌های آنها را قبول ندارند، و باید آنها را و انتقادهای و ایرادات آنها را تحمل کنند. در میان گروه‌ها و احزاب سیاسی مخالف بیرون از حاکمیت، نهضت آزادی ایران معیاری برای آزادی فعالیت احزاب سیاسی شده است. برای حاکمیت قبول و اقرار و اعتراف به فعالیت آزاد و قانونی نهضت آزادی ایران حکم یک داروی تلخ را دارد. اگر چنانچه حاکمیت می‌خواهد مردم ادعاهایش را در مورد ضرورت فعالیت احزاب سیاسی بپذیرند و باور کنند، راهی ندارد جز اینکه این دارو را بخورد و به این درمان تن دردهد.

اما مشارکت نهضت آزادی ایران در انتخابات، طبیعی است که هر حزب سیاسی از جمله نهضت آزادی ایران وظیفه دارد که در انتخابات شرکت کند. انتخابات حزبی در دنیا یک معنا دارد که با آنچه در بالا ما بحث کردیم متفاوت است. بعضی از مقامات مملکت به کرات گفته‌اند که انتخابات در ایران حزبی نیست و این یک معنای مخدوش شده‌ای از انتخابات حزبی است. انتخابات حزبی معنایش این است که کاندیداها با اعلام وابستگی حزبی ثبت‌نام می‌کنند. پس از رأی‌گیری به هنگام اعلام نتیجه شمارش آراء، کاندیداهای هر حزبی متناسب با درصد آرائی که حزب به دست آورده است انتخاب می‌شوند و به مجلس می‌روند. اما اگر انتخابات حزبی نباشد و اکثریت آراء ملاک باشد، ممکن است کاندیداهای یک حزب ۵۱ درصد آراء را بدست

آورد (در انتخابات ایران ۳۳٪) ولی صددرصد نمایندگان را به خود اختصاص بدهد. اگر انتخابات حزبی باشد، هر حزبی به نسبت آرائی که به دست می‌آورد به همان نسبت، نماینده به مجلس می‌فرستد. مثلاً در انتخابات تهران، در حالت اول، یعنی انتخابات غیرحزبی، تمام ۲۰ نفر از کاندیداهای یک گروه حاضر انتخاب می‌شوند. ولی در حالت دوم، یعنی انتخابات حزبی، اگر حزب اکثریت مثلاً ۶۰ درصد آرا هم به دست بیاورد فقط ۶۰ درصد از ۳۰ کرسی را می‌برد و آن حزبی که در آراء تهران ۱۰ درصد آراء را به دست آورده است ۱۰ درصد کرسی‌ها یعنی ۳ نفر را به مجلس می‌فرستد. در ایران ما چنین انتخاباتی نداریم. بنابراین کاندیداها به صفت شخصی و فردی ثبت‌نام می‌کنند نه به صفت گروهی و حزبی. مشارکت یک شخص حقوقی در انتخابات با مشارکت یک شخصیت حقیقی متفاوت است. مشارکت یک شخصیت حقوقی یعنی یک حزب سیاسی مثل نهضت آزادی ایران در مراحل مختلف مشارکت معنای متفاوت دارد که به ترتیب می‌تواند چنین باشد: ۱- کاندیداهایی را تعیین کند که بروند ثبت‌نام کنند یا از همه شخصیت‌های واجد صلاحیت و مورد وثوق مردم دعوت کند تا بیایند جلو و کاندیدا بشوند ۲- برای کاندیداهایی که خود معرفی می‌کند یا می‌خواهد مورد تأیید قرار دهد، برنامه شخصی و ویژه‌ای را تدوین و اعلام نماید تا مردم بر اساس برنامه‌ها به کاندیداها رأی بدهند. ۳- در صورت مطلوب بودن شرایط انتخابات از جهت آزادی و سلامتی از مردم دعوت کند که در انتخابات فعالانه شرکت کنند و به پای صندوق‌های رأی بروند و آراء خودشان را با آگاهی از برنامه‌های کاندیداها به صندوق بریزند و یا اگر ضروری دانست از شرکت در انتخابات کناره‌گیری نماید و در مواردی هم آن را تحریم نماید. ۴- بر روند انتخابات نظارت مستمر داشته باشد تا سلامت و اعتبار انتخابات از طرف صاحبان قدرت مورد تجاوز قرار نگیرد. این‌ها جزئی از وظایف یک سازمان سیاسی است. اما آیا نهضت آزادی ایران تا چه مرحله در این انتخابات حضور پیدا خواهد کرد، بستگی دارد به اینکه آیا شرایط انتخابات سالم و آزاد وجود دارد یا خیر. به عنوان یک حزب ما نهایت وظیفه خودمان می‌دانیم که در انتخابات شرکت کنیم. اما اگر حکومت، حاکمیت و صاحبان قدرت، همچنان بر انحصارگری‌ها پافشاری کنند و همچنان مانع شوند که نهضت به عنوان یک حزب سیاسی فعالیت داشته باشد، روزنامه داشته باشد، دفتر مرکزی داشته باشد و افراد و آحاد مملکت بدون ترس و نگرانی از فشارهای مقامات امنیتی کشور با آن همکاری داشته باشند، در آن صورت این حاکمیت است که نمی‌خواهد و نمی‌گذارد نهضت آزادی در انتخابات شرکت داشته باشد و همه خواهند گفت که حاکمیت از حضور فعال آن در انتخابات می‌ترسد و علیرغم تبلیغاتی که می‌کند مبنی بر اینکه نهضت آزادی در میان مردم پایگاه ندارد، نگران است که در صورت حضور فعال کاندیداهای نهضت در انتخابات با آراء سنگین از طرف مردم انتخاب شوند. اگر حاکمیت واقعاً چنین ترس و نگرانی را ندارد، باید تمام شرایط را برای حضور نهضت آزادی در انتخابات فراهم نماید تا معلوم شود آیا نهضت آزادی در میان مردم پایگاه دارد یا خیر. و اگر همه آزادی‌های ضروری از جمله روزنامه و دفتر و غیره را که عرض کردم برای نهضت تأمین شود و نهضت در انتخابات شرکت کند، و کاندیداهای نهضت آراء کافی به دست نیاورد، نهضت آزادی ایران هیچگونه تعللی در پذیرفتن این شکست انتخاباتی نشان نخواهد داد. اما ما معتقدیم حاکمیت به دلیل ترس و نگرانی از پیروزی مخالفین سیاسی مانع‌تراشی می‌کند.

س-۶ با توجه به این صحبتی که الان می‌فرمایید و نشان‌دهنده این است که نسبت به آن صحبت‌های قبلی که انجام شد یک مقداری خوشبینانه‌تر نسبت به مسائل نگاه می‌کنید حالا، با توجه به این دیدگاه پیش‌بینانه‌تان، انتخابات را چه طوری می‌بینید یعنی در نهایت چی هست؟ آیا باز هم نگرش‌ها و تبدیلاتی

صورت خواهد گرفت و امیدی هست که این شرایطی که شما فکر می‌کنید و از آن نام می‌برید فراهم بشود؟

ج - دو نکته را جنابعالی فرمودید. خوشبینی که بنده ابراز می‌کنم. شاید به تعبیری درست باشد. من به انقلابی که در سال ۱۳۵۷ رخ داده اعتقاد دارم. معتقدم که دستاوردهای این انقلاب آنچنان است که حتی آنهایی که می‌خواهند آن دستاوردها را از میان بردارند نمی‌توانند و زورشان نمی‌رسد و هرگز نخواهند توانست. خوش بینی من به ملت و مردم و به انقلاب است نه نسبت به حکام و مقامات و مسئولین. نکته دوم پیش‌بینی آینده است. برای من سخت مشکل است که پیش‌بینی کنم که حاکمیت تا چه اندازه در این مقطع حاضر است عقب‌نشینی کند. خودش را تعدیل کند. علائمی از تعدیل دیده می‌شود. به عنوان نمونه امروز روزنامه‌ها خبر دادند که شورای نگهبان موضع گذشته خود را اصلاح کرده است یا اگر اصلاح نکرده است تبیین کرده است و گفته است حتی کسانی که در دوره گذشته صلاحیتشان را شورا رد کرده، می‌توانند اقدام به ثبت‌نام کنند. در حالی که قبلاً بعضی از محافل وابسته به شورای نگهبان اعلام کرده بودند که آنهایی که در دفعات گذشته صلاحیتشان رد شده وقتشان را تلف نکنند و جلو نیایند. این موضع جدید یک تعدیل خوبی است. یا تصریح سخن‌گوی شورای نگهبان، که اخیراً در نماز جمعه صحبت کرده است، مبنی بر اینکه شورای نگهبان کارش بررسی شرایطی است که یک نامزد نمایندگی بر اساس قانون باید داشته باشد که در صورت داشتن این شرایط شورا صلاحیت وی را تأیید خواهد کرد. به عبارت دیگر این سخن روشن می‌کند که شورای نگهبان حق ندارد بر اساس سلیقه‌ها یا دیدگاه‌های سیاسی صلاحیت کاندیدها را بررسی کند. بلکه بررسی صلاحیت صرفاً در چهارچوب موارد تصریح شده در قانون باید باشد. آیا حاکمیت چنین تعدیلی را در مورد احزاب و گروه‌های خارج از حاکمیت از خود نشان خواهد داد؟ مثلاً اقرار و اعتراف خواهد کرد که نهضت آزادی ایران حق حیات دارد؟ شاید هم حاکمیت در مورد نهضت آزادی دچار تناقض باشد. از یک طرف می‌گوید اعضا و عناصر نهضت آزادی ایران بیایند ثبت‌نام کنند، از یک طرف دیگر به ضرورت مشارکت احزاب سیاسی در انتخابات تکیه می‌کنند. اما از آن طرف می‌گویند کاندیداهای نهضت آزادی منهای نهضت آزادی، یعنی نهضت آزادی حق مشارکت در انتخابات را ندارد!! آخر اینکه نمی‌شود. این تناقض است. اگر قرار باشد که در انتخابات آینده احزاب فعال باشند قطعاً یک سازمان سیاسی مثل نهضت آزادی ایران با یک سابقه ۳۴ ساله بیش از هر گروهی حق دارد در انتخابات حضور داشته باشد و کاندیدا معرفی کند و کاندیداهایش بر اساس برنامه‌های نهضت، در انتخابات حضور پیدا کنند نه به صورت فردی. من نمی‌توانم پیش‌بینی کنم که حاکمیت واقعا چه کار خواهد کرد. فقط می‌توانم توصیه کنم و امیدوار باشم که حاکمیت همانطور که عرض کردم بپذیرد که، نهضت آزادی ایران حق فعالیت سیاسی آزاد را دارد و به این حقی که نهضت دارد صریحاً و رسماً گردن بگذارد.

س۷- آیا نهضت آزادی فهرستی از کاندیدهایش را تعیین کرده و آیا خودتان احتمالاً ممکن است که در این انتخابات کاندید شوید؟ چون این بنا بر مسائلی که گفته شد که افراد می‌توانند بدون اینکه وابستگی حزبی‌شان را مثلاً بخواهند مشخص کنند به صورت منفرد شرکت بکنند؟

ج - در قانون انتخابات ما این الزام وجود ندارد که افراد بایستی وابستگی حزبی‌شان را هم در هنگام ثبت‌نام اعلام کنند. اما اعضای نهضت آزادی ایران به دلیل اینکه عضو یک حزب هستند تا هنگامیکه حزب تصویب نکند، حق ثبت‌نام در انتخابات را ندارند و در صورتی که نهضت آزادی ایران چنین تصمیمی را بگیرد به موقع اعلام خواهد کرد.

س۸- فرمودید نهضت آزادی فعالانه در این انتخابات شرکت می‌کند به شرطی که شرایط فراهم شود اما

اینجا می‌فرمایید که ما چنین تصمیمی نگرفته‌ایم که افرادی را معرفی کنیم یا نکنیم. یعنی الان هیچ مشخص نیست که شما کاندیدای خاصی دارید و لیست انتخاباتی خواهید داد؟

ج- عرض کردم نهضت آزادی هنوز اعلام نکرده است و هر موقع که صلاح بداند اعلام خواهد کرد. ما هنوز هیچگونه علائمی از باز شدن جو سیاسی مشاهده نمی‌کنیم هنوز مقامات دولتی حاضر نشده‌اند که روزنامه ما را پس دهند. یک حزب سیاسی با سابقه ۳۴ ساله هنوز هیچ روزنامه‌ای ندارد. هر گروه کوچکی که حتی به صورت یک باند سیاسی عمل می‌کند یک روزنامه دارد، و به خودشان اجازه می‌دهند در تمام مسائل مملکتی حضور فیزیکی پیدا کنند، در امور دانشگاه‌ها دخالت کنند، جلسات سخنرانی‌ها را بر هم بزنند، در امور مراکزی که قانوناً تأسیس یافته‌اند و شرکت‌هایی که قانوناً تأسیس شده‌اند و کتابفروشی‌هایی که اجازه کتابفروشی دارند دخالت کنند، آتش بزنند و برخورد فیزیکی کنند. اما یک حزب با سابقه ۳۴ ساله، اجازه انتشار روزنامه ندارد. روزنامه‌ها یا مصاحبه‌کنندگان و مصاحبه‌شوندگان و حتی آنهایی که صاحبان قدرت در درون حکومت هستند به خودشان اجازه و حق می‌دهند در هر کجا علیه نهضت آزادی ایران سم‌پاشی کنند، نهضت آزادی را به انواع و اقسام جرائم مرتکب نشده متهم کنند. اما جواب‌های نهضت آزادی را به این اتهامات هیچ کجا چاپ نمی‌کنند. پرواضح است که اگر دولت حاضر شود حق فعالیت آزاد را برای نهضت آزادی ایران بپذیرد، معنایش این است که ما هم مثل بقیه باید بتوانیم روزنامه منتشر بکنیم و ما هم مثل بقیه بتوانیم از دفتر کار خودمان، از ساختمانی که متعلق به نهضت آزادی است استفاده کنیم، حرف‌هایمان را بزنیم. اما چنین چیزی هنوز اتفاق نیفتاده است. معذالک معنای عرایض بنده این نیست که نهضت آزادی ایران در انتخابات ممکن است شرکت نکند. عرض بنده این است که نهضت آزادی ایران هنوز چنین چیزی را اعلام نکرده است تا وقتی که نهضت رسماً اعلام نکرده باشد بنده هم از جواب صریح معذور هستم.

س۹- الان مثلاً آقای امیرانتظام را دستور داده‌اند که از زندان بیرون بیاید، یا در سخنرانی‌های مسئولان به نوعی گفته شده که مثلاً اگر ما پروانه به شما نمی‌دهیم مغایرتی ندارد که شما آزاد باشید که فعالیت‌هایی هم بکنید. آیا چنین احتمالی می‌دهید که مثلاً حاکمیت در ماه‌های آینده این تصمیم خودش را صریحاً اعلام کند یا به نوعی که فضای بازتری را اعلام بکند برای فعالیت شما. پس بنابراین تصمیمات شما مبتنی بر تصمیمات هیئت حاکمه خواهد بود؟

ج- من نگفتم فعالیت نهضت آزادی منوط به تصمیم هیئت حاکمه است. چون شما فرمودید این تساهل وجود دارد، بنده عرض کردم ما این چنین علائمی را نمی‌بینیم. به عنوان مثال در نظر بگیرید که فلان حزب و گروهی که یکی از قدرت‌های اساسی حاکمیت کنونی است، هنوز که انتخابات شروع نشده است در همه دانشگاه‌ها مرتباً فعالیت‌ها و سخنرانی‌های انتخاباتی می‌کند و در دانشکده‌های مختلف در تهران و شهرستان‌ها جلسه بحث و گفت‌وگو می‌گذارند. آیا به نهضت آزادی یا به افرادی از نهضت آزادی این چنین امکانی را می‌دهند؟ آیا انجمن اسلامی فلان دانشکده اجازه دارد که از مسئولان و افراد شناخته شده نهضت آزادی، به مانند افراد وابسته به حاکمیت، برای سخنرانی دعوت کند یا خیر؟ آیا اگر امروز نهضت آزادی ایران درخواست برگزاری میتینگ کند اجازه خواهند داد یا خیر؟ شرط لازم و اجتناب‌ناپذیر مشارکت در انتخابات برای یک گروه سیاسی امکان برقراری ارتباط با مردم است. وقتی که اجازه نمی‌دهند که ما در دانشگاه‌ها فعالیت داشته باشیم، وقتی اجازه ندهند که ما میتینگ برگزار کنیم و از مردم برای حضور در آن دعوت کنیم یا به گروه‌های سیاسی مخالف از جمله نهضت آزادی اجازه و امکان این را ندهند که از

مکان‌های عمومی استفاده کنند، آیا کسی آزادی احزاب را باور می‌کند؟ این‌ها سوالات اساسی است که هنوز جوابی به آنها داده نشده است. اینها باید روشن شود تا نهضت آزادی ایران بتواند نظر خودش را پیرامون آزادی احزاب اعلام کند.

س ۱۰- در مشارکت سیاسی مردم و تحولی که در آینده صورت خواهد گرفت شما اهمیت انتخابات و مشارکت مردم را چگونه می‌بینید؟

ج- نهضت آزادی ایران در بیانیه‌های متعدد به این مطلب پرداخته است و توضیح داده است که انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی سرنوشت‌ساز است. این انتخابات در شرایطی برگزار خواهد شد که به طور کلی با دوره‌های گذشته متفاوت است. بنابراین به حق نقطه عطف و تعیین‌کننده‌ای است برای حاکمیت و نظام. اما برای حاکمیت تعیین‌کننده است از این جهت که اگر نپذیرد که به حقوق و آزادی‌های مردم تسلیم شود، حاکمیت خود و نظام را دچار یک سلسله بحران‌های احتمالاً غیرقابل ترمیم خواهد کرد و اگر شرایط مناسب را برای یک انتخابات سالم و آزاد فراهم نکند نه تنها اعتبار خود بلکه اعتبار نظام را به طور جدی مورد سوال قرار خواهد داد. این انتخابات از این جهت حساس و تعیین‌کننده است.

س ۱۱- از جهت حاکمیت و نظام، شما این بحران را ناشی از چه می‌بینید؟ چرا فکر می‌کنید یک بحران به وجود آمده که این انتخابات دارد پاسخ به آن می‌دهد؟

ج - من واژه بحران را به کار نبردم چون بحث بحران‌ها نبود. بحث حساسیت شرایط بود آن هم به دلایل متعدد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که از حوصله این مصاحبه خارج است. اما تصور ما این است که مقامات مسئول و تصمیم‌گیرنده در درون حاکمیت خود به حساس بودن انتخابات آینده به عنوان یک نقطه عطف اقرار و اعتراف دارند و شاهد آن هم بیانات و اظهارات متعددی است که به صور مختلف اظهار شده است. بنابراین در حساس بودن اوضاع اختلاف نظری نیست. اما نهضت آزادی ایران می‌گوید صرف بیان و اظهار این مطالب کافی نیست. باید متناسب با حساسیت اوضاع کنونی اقدامات عملی معنادار تعدیل‌کننده صورت بگیرد و گرنه این اظهارات را هیچ کس باور نکرده و نخواهد کرد.

بخش روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

دی ماه ۷۴